

استلزامات کنشگری فعال گفتمان انقلاب اسلامی؛ مواجهه با سکولاریسم

(با نگاهی به تقابل گفتمان انقلاب اسلامی و سکولاریزم)

محمد علی میرعلی^۱

وحید فراهانی کنگرانی^۲

چکیده

انقلاب اسلامی ایران بدون شک یکی از انقلاب‌های گفتمان‌ساز بوده است. انقلابی که با ارائه الگوی پیوند دین و سیاست تلاش نموده تا مدل حکمرانی جدیدی را بر اساس بیشترین تطبیق با آموزه‌های دینی پیگیری نماید. هر گفتمانی، غیری داشته و بر اساس برخی نگرش‌ها عرصه جامعه به نحوی عرصه رقابت و جنگ غیرهای گفتمانی است. گفتمان انقلاب اسلامی نیز از ابتدا با شکستن ساختار گفتمان غیرخود، یعنی گفتمان سکولار به‌عنوان گفتمان حاکم در جامعه ایرانی مطرح گردید. نقطه کانونی این مقاله بررسی استلزامات و آسیب‌شناسی گفتمان انقلاب اسلامی بر اساس الگوی کنشگران گفتمانی شامل نظریه‌پرداز، شارحین، مروجین و رسانه‌هاست که در این راستا ترویج دال‌های گفتمانی، بعد احساسی گفتمان، دیالکتیک متعادل، به‌روزرسانی و بازتولید و کارآمدی، به‌عنوان محورهای آسیب‌شناسی مطرح گردیده‌اند.

کلیدواژه‌ها: گفتمان، انقلاب اسلامی، گفتمان سکولار، آسیب‌شناسی، دال مرکزی،

جمهوری، هویت.

۱. دانشیار جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه (نویسنده مسئول).

۲. دانشجوی دکتری جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه.

مقدمه

امروزه گفتمان‌شناسی و تأمل در خصوص دال‌های شناور و مرکزی و اغیار آنها، یکی از علاقه‌مندی‌های پژوهشگران حوزه زبان‌شناسی، سیاسی و اجتماعی شده است. گفتمان‌ها در کنار ورود به حوزه‌های آکادمیک، در فضای عینی جامعه تأثیر و تأثرات جدی داشته و به‌عنوان یکی از جلوه‌های قدرت در هر جامعه‌ای نقش بازی می‌کنند.

در این فضا قدرت یک کل است و مبتنی بر یک دوگانه فرماندار و فرمان‌پذیر نیست. قدرت ابزاری در دستان عده‌ای معدود نیست و اساساً تمرکز قدرت در دستان عده‌ای خاص در این پارادایم بی‌معنی است. در این فضا، قدرت «هم‌زمان همه اجتماع را به صورت یک کل یکپارچه در سیطره و سلطه خود می‌گیرد. قدرت این‌گونه نه تنها بر فرمان‌برداران، بلکه بر فرمانداران و حاکمان نیز اعمال می‌شود و نظم و انضباط خاص خود را بر ذهنیت، رفتار و گفتار آنها تحمیل می‌کند. این قدرت است که شیوه‌های اندیشه و گفتار را تعیین می‌کند» (سلطانی، ۱۳۹۶ ص ۵۶).

امروزه شاهد تقابل چندین گفتمان با انقلاب اسلامی ایران هستیم. مهم‌ترین این اغیار، الگوی حاکمیت‌های سکولار و در صدر آن، لیبرال دموکراسی غربی و در طیف مقابل، سلفی‌گرایی است. گفتمان انقلاب اسلامی با محوریت ولایت فقیه و مبتنی بر انگاره آشتی دین و دنیا، در تمامی حوزه‌ها به سمت مقابله و جداسازی هویت خود از هویت گفتمان سکولار بوده و از سوی دیگر، با پیوند زدن خود با مفهوم عرف در اندیشه امام خمینی علیه السلام و توجه به اقتضائات زمان، از الگوهای سلفی جدا شده است.

امروزه هر گفتمانی برای توفیق خود نیاز به منطق قوی گفتمانی، توجه به عنصر احساس، دیالکتیک متعادل، به‌روزرسانی و بازتولید بوده و نهایتاً کارآمدی است. گفتمان انقلاب اسلامی هم در دهه چهارم انقلاب اسلامی، در صورتی می‌تواند به تداوم اقتدار خود دست یابد که در این پنج حوزه توفیقاتی داشته باشد.

این تحقیق در صدد است تا با روش تحلیل گفتمان و بر اساس چارچوب کنشگران گفتمانی شامل نظریه پردازان، شارحین، پیروان و رسانه‌ها به نقاط آسیب‌زای گفتمان انقلاب اسلامی اشاراتی داشته باشد.

مفهوم‌شناسی

گفتمان

گفتمان از جمله کلیدواژه‌های پر بسامدی است که طی سال‌های گذشته در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و حتی در بین کنشگران سیاسی رایج شده است. نخستین بار داریوش آشوری در مقاله «نظریه فرهنگی و بحران تفکر در ایران»، «گفتمان» را به کار برد؛ کلیدواژه‌ای که در غرب گرچه از سال‌ها پیش و در قالب *Discourse* به کار رفته و در حوزه زبان‌شناسی (آشوری، ۱۳۶۸ ص ۴۵۴) در خصوص آن تولید ادبیات صورت گرفته است. گفتمان در لغت به چند معنی آمده است: مباحثه و مجادله، مسیر و جریان و راه و روش، گفتگو و مکالمه، عمل، قانون، پرده نمایش، نماد، قدرت، توان و استعداد تفکر و... (بابوک، ۱۹۸۱، ۱۳۹۰ ص ۵۴۱).

گفتمان در اصطلاح گاهی در زبان‌شناسی به کار می‌رود که در فضای فنی و زبان‌شناسانه به کار می‌رود (فرقانی

۱. ریشه مفهوم گفتمان، فعل یونانی *Discurrere* به معنی حرکت سریع در جهات مختلف است (عضدانلو، ۱۳۷۵ ص ۴۸).

۱۳۸۲ ص ۶۰). اما معنای اصلی که در این مقاله مد نظر است، در حوزه فلسفه سیاسی و اجتماعی مطرح می‌شود که پس از فوکو مطرح گردید و مبتنی بر این نگرش، معانی تولیدشده در بستر جامعه، محصول شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که در حوزه زبانی نمود پیدا می‌کند. در این رویکرد، «گفتمان یعنی باور عمومی؛ یعنی آن چیزی که به صورت یک سخن مورد قبول عموم تلقی بشود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲ ص ۳). مبتنی بر این نگرش در هر دوره‌ای از ادوار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، گفتمان خاصی حاکم است که به نوعی آئینه تمام‌نمای ساختار و اندیشه حاکم بر جامعه و روابط اجتماعی است. مبتنی بر این نگرش، «هر دورانی گفتمان خاص خود را دارد و هر حادثه‌ای در درون گفتمان خودش قابل تحلیل است» (تاجیک، ۱۳۸۳ ص ۱۴).

تأثیرات گفتمان‌ها، از سبک زندگی، شکل‌گیری روابط، ایدئولوژی‌ها و ساختارهای قدرت، تا انتخاب و ورود کلمات جدید به حوزه‌های زبانی افراد در زندگی محاوره‌ای را شامل می‌شود و از قهوه‌خانه‌ها گرفته تا مجالس نوحه‌خوانی و سخنرانی‌ها، تحت تأثیر گفتمان‌های حاکم هستند و به تعبیری:

گفتمان فقط در درون کاخ‌ها و در قصرهای تودرتو و مجلل نیست؛ در هر جا و در همه جا هست؛ در کوچک‌ترین واحد سیاسی و جغرافیایی نیز به چشم می‌خورد. در هر جا که آمریت هست، اطاعت هست، و فریب و ریا و پنهان‌کاری هست، گفتمان نیز هست (Farsoun, 1992, p9).

گفتمان‌ها دارای دال‌های مرکزی و شناورند که در نهایت مفصل‌بندی^۱ می‌شوند. هر مفصل‌بندی مبتنی بر دال‌های مرکزی و شناور است. دال مرکزی اصلی‌ترین مفهوم هر گفتمان است که سایر دال‌ها مبتنی بر آن شکل می‌گیرند. برای مثال در گفتمان لیبرالیسم، دال مرکزی آزادی است و تلاش می‌شود که سایر مفاهیم، مبتنی بر این دال مرکزی شکل بگیرند. پس از دال مرکزی، دال‌های شناور از جمله مهم‌ترین اجزای هر گفتمان هستند.

انقلاب اسلامی

با عنایت به معنای گذشته، انقلاب اسلامی فراتر از یک رخداد سیاسی و اجتماعی، یک رخداد گفتمانی است که پس از خود، گفتمانی جدید را به حوزه علوم سیاسی عرضه نمود؛ گفتمان انقلاب اسلامی که نه تنها ساختار و سامان جدیدی را طی چهل سال گذشته مطرح نموده، بلکه نظم جدیدی را نیز پایه‌ریزی کرده است. حکومت مردم‌گرایی دینی، استقلال، مبارزه با طاغوت و استکبار جهانی، دفاع از محرومین و مستضعفین، امت اسلامی، دفاع از پابره‌نه‌ها، مقابله با کوخ‌نشینی، برابری و مساوات، مجموعه به هم پیوسته‌ای از مفاهیم را تشکیل می‌دهند که در جریان انقلاب اسلامی وارد ادبیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شد و در مجموع گفتمان واحدی را تشکیل داد که این گفتمان جدید در پارادایم خاصی قابل فهم است و می‌توان آن را پارادایم «اسلام سیاسی» نامید. (ایوبی، ۱۳۸۰، ص ۸).

دال مرکزی پارادایم اسلام سیاسی، «ولایت فقیه» و در تبیین دال‌های شناور آن می‌توان به دو عنصر جمهوریت و اسلامیت اشاره کرد که خود مفاهیم دیگری را ذیل خود معنا می‌کنند. پیوند دین و دنیا به عنوان مهم‌ترین انگاره

1. Articulation.

معرفتی در تبیین گفتمان انقلاب اسلامی قابل طرح است.



ترسیم دال مرکزی و شناور گفتمان انقلاب اسلامی

در طی روند ۴۰ ساله، گفتمان انقلاب اسلامی مخالفان متعددی را داشته است؛ اما اگر با نگرش گفتمانی درصدد تحلیل شرایط موجود باشیم، مهم‌ترین غیرگفتمان انقلاب اسلامی، سکولاریزم است. گفتمان انقلاب اسلامی، نوعی ساختارشکنی گفتمان سکولاریزم به‌عنوان یک گفتمان هژمونیک در دنیا بود. اساساً هژمونیک شدن یک گفتمان با ساختارشکنی آن رابطه منطقی دارد. هرچه گفتمان به سمت هژمونیک‌تر شدن حرکت کند، ساختارهای گفتمان قبلی را در هم ریخته و تلاش می‌کند که با تخریب دال مرکزی، دال‌های شناور گفتمان رقیب را از هم جدا کند و این روند در خصوص انقلاب اسلامی ایران محقق گردید. انقلاب اسلامی توانست با شکستن ساختارهای قبلی، گفتمان خود را تبدیل به یک گفتمان هژمونیک کند.

سکولاریسم

گرچه انقلاب اسلامی به تعبیر برخی از سیاستمداران به مثابه زلزله در منطقه بوده است، لکن همچنان سکولاریسم یکی از قدرتمندترین گفتمان‌های حاکم در دنیاست. سکولاریزم یک ایدئولوژی ضد معنوی و ضد دینی است که عمیق‌ترین لایه برای ایدئولوژی‌های مختلفی است که با اصالت بخشیدن به زندگی دنیوی بشر، در پی تفسیر و توجیه آن برمی‌آیند. این ایدئولوژی در پاسورتی که معنویت و دیانت به حوزه فرهنگ عمومی بازگشت نماید، مقاومت خود را برای پیشگیری از حیات مجدد دیانت در عرصه سیاست مدیریت خواهد نمود. (پارسانیا، ۱۳۸۴ ص ۵).

گفتمان سکولاریزم پس از عصر نوزایی، یکی از گفتمان‌های هژمونیک در غرب بوده که بر تمامی اندیشه‌ها سایه انداخته است. امروزه از سیاست، معنویت و حتی دین سکولار سخن به میان آمده که در مقابل انگاره اصلی گفتمان انقلاب اسلامی است. این تفکر به مثابه یک سنگ بنای بسیاری از نظام‌های سیاسی در سطح دنیاست که توانسته سازوکارهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... را بر اساس ایده اصلی خود سازماندهی کند. این اندیشه با یک سلسله اصول و ارزش‌های پذیرفته شده در فرهنگ مغرب‌زمین مانند انسان‌گرایی، عقل‌گرایی، علم‌زدگی و اصالت ماده پیوندی وثیق دارد (رشاد، ۱۳۸۱ ص ۲۳).

چارچوب نظری

هر گفتمانی برای خود غیر دارد و یکی از راه‌های موفقیت گفتمان‌ها تلاش برای مرزبندی با غیر و به حاشیه

راندن نقاط ضعف و در عین حال، برجسته‌سازی نقاط قوت خود است. «این وضعیت را می‌توان با رابطه روشنایی و تاریکی مقایسه کرد. هر دوی اینها دیگری یکدیگرند و وجود هریک برای فهمیدن دیگری ضروری است. اگر همه‌جا روشن مطلق باشد، دیگر واژه روشنایی هویت و معنای خود را از دست خواهد داد. به این ترتیب، هر گفتمانی ضرورتاً نیاز به گفتمان رقیب دارد تا به‌واسطه آن هویت یابد» (سلطانی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۱). برای مثال، گفتمان الحادی به‌عنوان غیرگفتمان توحیدی تلقی می‌شود و این دو در کنار هم فهمیده می‌شود و از سویی هویت‌یابی هریک مبتنی بر نقد دیگری است.

امروزه گفتمان‌های دیگری هم به‌عنوان رقیب‌های گفتمان انقلاب اسلامی مطرح است، نظیر ناسیونالیسم ایرانی، گفتمان اسلامی اخوان و سلفیت؛ اما پیش‌فرض این تحقیق این است که به دلیل اشتراک برخی از پیش‌فرض‌های سایر گفتمان‌ها، بعیدترین گفتمان از لحاظ راهبردی، سکولاریسم است که خروجی آن لیبرال دموکراسی است. نویسنده بر این باور است که هر گفتمانی در درون خود، چهار عنصر اصلی دارد که قدرت و پیش‌برنده اصلی آن گفتمان از جهات فکری بوده و آنها را می‌توان «کنشگران گفتمانی» قلمداد کرد.

۱. **نظریه‌پرداز:** نظریه‌پرداز هر گفتمان، فردی است که تلاش می‌کند مفصل‌بندی مناسبی بین مفاهیم اصلی و شناور گفتمان ایجاد کند. نظریه‌پردازان گفتمان‌ها ممکن است حضور فیزیکی در زمان اقتدار گفتمان‌ها نداشته باشند؛ اما توانسته باشند به‌صورت تدریجی اثرات خود را بر قلب و روح جامعه بگذارند.

۲. **شارحین:** شارحین گفتمان‌ها افرادی هستند که به شرح و بسط، به‌روزرسانی و تطبیق مفاهیم ذهنی بر عینیت جامعه می‌پردازند و تلاش می‌کنند گفتمان را از یک فضای ذهنی و انتزاعی به سمت فضای عینی جامعه سوق دهند.

۳. **پیروان:** پیروان هر گفتمان می‌توانند شامل گونه‌های مختلف کنشگران سیاسی، فرهنگی و ... باشند؛ افرادی که پیروان فکری و عملی نظریه‌پرداز و شارحین یک گفتمان هستند.

۴. **رسانه‌ها و عناصر تبلیغاتی:** امروزه با رشد رسانه‌ها و فضای ارتباطی، یکی از اصول و عناصر اصلی گفتمان‌ها در سطح جامعه فعالان رسانه‌ای هستند. ممکن است گفتمانی از نظریه‌پرداز و حتی شارح مناسبی بهره‌برداری کند، اما در حوزه رسانه‌ها اثرگذاری محسوس‌تری نداشته و در نتیجه به محاق برود.

وجود هریک از چهار عامل فوق می‌تواند اوج و اقتدار یک گفتمان را رقم بزند و فقدان آنها گفتمان را موقتاً و یا حتی دائماً به بایگانی تاریخ بسپرد.

گفتمان انقلاب اسلامی در کنار همه مسائل اجرایی و کارآمدی اجتماعی و سیاسی آن نیاز است تا در این چهار حوزه، سلسله‌اقداماتی را رهگیری کند؛ همچنان که در ابتدای انقلاب نیز این چهار محور در بالاترین سطح خود در کنار هم قرار گرفته و توانستند اقتدار این گفتمان را تأسیس و تحکیم و تثبیت نمایند.

از رهگذر این چهار عنصر، قدرت تولید می‌شود و اساساً قدرت در گفتمان به‌عنوان محوری‌ترین مفهوم در گفتمان «نباید به نهادهای سیاسی محدود شود؛ بلکه در تمام جامعه جاری است و نقشی مولد ایفا می‌کند» (دریفوس، ۱۳۷۹، ص ۳۹۲).

هر گفتمانی که بتواند مفصل‌بندی مناسبی به‌وسیله این عناصر چهارگانه در نسبت بین دال مرکزی و دال شناور

ایجاد کند، ظرفیت بالاتری برای تأثیرگذاری در حوزه تغییر نگرش افراد جامعه دارد. گفتمان‌ها می‌توانند اولویت‌های یک جامعه را به‌طورکلی زیرورو کنند.

برجسته‌سازی^۱ و حاشیه‌رانی^۲ از جمله ابزارهایی هستند که گفتمان‌ها از طریق آنها در حوزه رسانه‌ها و مطبوعات می‌توانند به تقویت مفاهیم خود پردازند که به‌وسیله رسانه‌ها و بخشی از شارحین پیگیری می‌شوند. «برجسته سازی و حاشیه‌رانی سازوکاری هستند که گفتمان‌ها به‌واسطه آن سعی می‌کنند نقاط قوت خود را برجسته سازند و نقاط ضعف خود را به حاشیه رانده و پنهان کنند و بالعکس نقطه قوت غیر یا دشمن را به حاشیه برانند و نقاط ضعف او را برجسته سازند.» (سلطانی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۳)

استلزامات کنشگری فعال انقلاب اسلامی

هر گفتمانی برای صعود و غلبه بر غیر و یا اغیار خود نیاز به تثبیت شرایط و شاخص‌هایی دارد که به‌وسیله کنشگران گفتمانی باید پیگیری شوند و در صورت فقدان آنها گفتمان روند صعودی و هژمونیک را طی نخواهد کرد و امروزه نیز دو گفتمان انقلاب اسلامی و سکولاریزم در تلاش برای تثبیت موقعیت خود با توجه به این شرایط هستند:

اول) ترویج دال‌های گفتمان

در این مرحله گفتمان می‌بایست انسجام معنایی و ایدئولوژیکی خود را به پیروان خود اثبات کند. این مرحله که بر عهده نظریه‌پرداز و شارحین گفتمان است، از جمله مراحل ابتدایی شکل‌گیری هر گفتمانی است. برای مثال، گفتمان ولایت فقیه در ابتدای کار و پیش از شروع انقلاب ایران، در حوزه علمیه نجف به‌وسیله امام خمینی علیه السلام و مبتنی بر تفسیر دیدگاه‌های فقهی قبلی تشریح و نظم منطقی یافت.^۳

امروزه گفتمان سکولاریزم در حوزه‌های مختلف، از جمله سبک زندگی و فضای دانشگاهی کشور در حال ترویج است و برخی معتقدند که دو گرایش سکولاریزم سیاسی و معنویت‌های سکولار، از جمله گرایش‌هایی است که در دانشگاه‌ها در حال ترویج است (گنجی، ۱۳۹۲) از سوی دیگر، در حوزه گفتمان انقلاب اسلامی و به‌روزرسانی آن شاهد چالش‌های جدی در حوزه‌های مختلف، از جمله اقتصاد، مسائل اجتماعی، امنیت و... هستیم. نظریه ولایت فقیه (انتخاب یا انتصاب)، نظارت استصوابی و سایر اختلافاتی که امروزه گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه‌های عملیاتی با آن روبه‌روست، از جمله عوارض به‌روز نشدن و ضعف انسجام معنایی است که شارحین و نظریه‌پردازان موجود انقلاب اسلامی باید به تقویت این بخش همت گمارند.

دوم) بُعد احساسی گفتمان

بسیاری از پیروان گفتمان‌ها از افراد معمولی هستند که ممکن است علاقه‌ای به ورود به مباحث پیچیده و مبنایی نداشته باشند. برای این‌سلس، رسانه‌ها و بخشی از علاقه‌مندان به گفتمان‌ها، به حوزه احساسات ورود کرده و تلاش

1- Foregrounding.

2- Backgrounding.

۳. مجموعه دروس امام در این خصوص، در قالب کتاب حکومت اسلامی از سوی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام چاپ شده است.

می‌کنند تا مبتنی بر نگرش‌های بنیادین مطرح‌شده در بُعد اول، حوزه احساسات افراد را برانگیخته تا برای پذیرش ساختارهای جدید و بدیع زمینه‌سازی گردد. امروزه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بستری برای ایفای نقش در این حوزه شده‌اند. در این بستر امروزه شبکه‌های اجتماعی یکی از سرنوشت‌سازترین حوزه‌ها هستند. این روند تا جایی است که شبکه‌های اجتماعی در کشور، زمینه‌ساز چالش‌های جدی فکری، فرهنگی و حتی امنیتی نیز شده‌اند. در کنار این حوزه، غلبه جریان‌های سکولار در فضای مجازی، به دلیل ورود زود هنگام این جریانات به این حوزه، یکی از اثرات فضای مجازی بر گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه رسانه‌ها بوده است. این رسانه‌ها با قدرت خود بعضاً مشکلاتی را که در جامعه عینیت ندارند، با روش برجسته‌سازی به ذهن مخاطب القا می‌کنند.

در کنار برجسته‌سازی، این جریانات با ابزار حاشیه‌رانی، نتایج عینی و عملیاتی انقلاب اسلامی را در اذهان کوچک القا می‌کنند.

سوم) دیالکتیک متعادل

گفتمان‌ها شکلی از رفتار اجتماعی هستند. رفتار، هم برساخته جامعه و هم سازنده جامعه بوده و بر این اساس، گفتمان‌ها نیز هم سازنده جهان اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده و در عین حال، از دل این جهان ساخته می‌شوند. بر این اساس، بین گفتمان و جهان بیرونی نوعی دیالکتیک برقرار است (سلطانی، ۱۳۹۶ ص ۵۲).

گفتمان‌ها وقتی موفق هستند که بتوانند با فضای بیرونی تناسب و نظم منطقی و اجتماعی داشته باشند. این موضوع را می‌توان به نوعی، تعادل دیالکتیکی بین گفتمان و جامعه قلمداد نمود. بر این اساس، گفتمان‌هایی که نتوانند این تعادل را حفظ کنند، در معرض مشکلاتی خواهند بود.

گفتمان انقلاب اسلامی، از جمله گفتمان‌هایی بوده است که به اذعان بسیاری از کارشناسان، از متن مردم و در نهایت اثرگذار بر مردم بوده است و در این فضا تعادل دیالکتیک به خوبی برقرار و این گفتمان را هم‌مونیک نموده است. امروزه یکی از نگرانی‌های جدی در حوزه گفتمان انقلاب اسلامی، از بین رفتن تعادل مذکور است. یکی از تلاش‌های گفتمان غیر انقلاب اسلامی، تلاش برای تثبیت غیرمردمی بودن این گفتمان و قطع ارتباط کامل دغدغه‌های این گفتمان با دغدغه‌های مردم است و از سوی تداوم آن مبتنی بر فضای ذهنی است. در این فضا ممکن است شارحین و نظریه‌پردازان و رسانه‌های گفتمان، به سوی معانی و کلیدواژه‌هایی تأکید کنند که نسبتی با مشکلات عینی و روزانه مردم نداشته و ارتباط بین عناصر گفتمان با متن و عینیت زندگی مردم قطع گردد.

چهارم) به‌روزرسانی و بازتولید

همان‌طور که مطرح شد، از وظایف سطوح فکری گفتمان، یعنی نظریه‌پردازان و شارحین، به‌روزرسانی و بازتولید مفاهیم گفتمان‌هاست. «امروزه سرعت تولید علم به شدت بالاست و بنا بر برخی از اظهارنظرها «سرعت رشد علم در ایران ۱۲ برابر متوسط تولید علم جهانی است.» (ابراهیمی، ۱۳۹۵)؛ امری که تحولات و تطورات معنایی در ایران را سرعتی دوچندان می‌بخشد. در چنین فضایی به نظر می‌رسد که مفاهیم و دال‌های گفتمان انقلاب اسلامی، نیاز مبرم به به‌روزرسانی دارند. مفاهیمی همچون قانون، مردم، ولایت و حتی حوزه‌های عملیاتی همچون اقتصاد و مسائل اجتماعی، نیاز به به‌روزرسانی برای هماهنگی با تغییرات سریع جامعه دارند. این رویه نیاز به نظریه‌پردازان و

شارحین قوی در حوزه گفتمان انقلاب اسلامی را دوچندان می‌کند که بتوانند ارتباط بین دال مرکزی و دال‌های شناور گفتمان انقلاب اسلامی را به خوبی تنقیح و تبیین و روزآمد کنند.

پنجم) مفهومی به نام کارآمدی

کارآمدی^۱ به معنای تأثیر، سودمندی، اثربخشی، کارایی و فایده معنا شده است (جعفری، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۳۲۰). می‌توان بخشی از کارآمدی نظام‌های سیاسی را منبعث از کارآمدی گفتمان آن نظام تلقی نمود که در نهایت در عرصه‌های مختلفی همچون اقتصاد، سیاست و فرهنگ خود را نشان می‌دهد. مهم‌ترین وجوه کارآمدی در گفتمان انقلاب اسلامی را می‌توان عدالت، حاکمیت قانون اسلام، تعلیم و تربیت مردم، آزادی، امنیت و رفاه، استقلال و خودکفایی قلمداد نمود. (ابوطالبی، ۱۳۸۶ ص ۴)

گرچه صدق و کذب گفتمان‌ها در مباحث نظری و فکری مشخص می‌شود، اما می‌توان مدعی شد که بخشی از بطلان و حقانیت گفتمان‌ها را می‌توان ناشی از کارآمدی آن قلمداد کرد. براین اساس، کارآمدی در حوزه‌های مختلفی که گذشت، نقش اساسی در تثبیت گفتمان و مقابله با گفتمان‌های مخالف دارد.

نتیجه‌گیری

با ورود به دهه چهارم گفتمان انقلاب اسلامی، به نظر می‌رسد که این گفتمان نیازمند بازیابی هویت خود در تقابل با سکولاریزم به‌عنوان غیراصولی این گفتمان است. این بازیابی لزوماً به معنای برهم خوردن مفاهیم اصلی نیست؛ اما قطعاً به معنای تولید، بازتولید و قطع نظر از برخی از مفاهیم است. در این دهه بازخوانی و به‌روزرسانی، ایجاد تعادل دیالکتیک و توجه به ابعاد رسانه‌ای و احساسی، از الزامات موفقیت و بازگشت هویت گفتمان انقلاب اسلامی است. این الزام در شرایطی است که گفتمان حریف به‌عنوان یک گفتمان در قامت جهانی با بهره‌برداری از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های در حال ترویج دیدگاه‌های خود است.

فهرست منابع

۱. ابوطالبی، مهدی (۱۳۸۶)، «مفهوم کارآمدی سیاسی در اندیشه متفکران اسلامی»، نشریه *زمانه*، ۱۳۸۶، شماره ۵۹، صص ۱۸ تا ۲۶.
۲. آشوری، داریوش (۱۳۶۸). «نظریه غرب‌زدگی و بحران تفکر در ایران»، نشریه *ایران‌نامه*، ۱۳۸۶، شماره ۲۷، صص ۴۵۴ تا ۴۶۰.
۳. امینی، علی‌اکبر (۱۳۹۰) «گفتمان ادبیات سیاسی ایران در آستانه دو انقلاب»، چاپ دوم، تهران: *نشر اطلاعات*.
۴. ایوبی، حجت‌الله (۱۳۸۰). «مؤلفه‌های گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی»، *فصلنامه پژوهشی انقلاب اسلامی*، بهار، ۱۳۸۰، پیش شماره اول، صص ۲۱ تا ۳۶.
۵. پارسانیا، حمید (۱۳۸۴). «سکولاریزم و معنویت»، نشریه *علوم سیاسی*، ۱۳۸۴، شماره ۳۲، صص ۷ تا ۲۶.
۶. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). *گفتمان، پادگفتمان و سیاست*، تهران، *مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی*.
۷. جعفری محمدرضا (۱۳۷۷). *فرهنگ نشر نو*، جلد اول، تهران، نشر تنویر.
۸. دریفوس، هیوبرت و پل، رایینو (۱۳۷۹). *میشل فوکو فراسوی ساخت‌گرایی و هرمنوتیک*، ترجمه: حسین بشیریه، نشر نی.
۹. رشاد، علی‌اکبر (۱۳۸۱). *دموکراسی قدسی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲) *بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری*، وب سایت رسمی رهبری انقلاب. farsi.khamenei.ir
۱۱. گنجی، عبدالله (۱۳۹۲)، *دانشگاه خواستگاه سکولاریسم در ایران*، سایت دکتر عبدالله گنجی www.abdullahganji.ir
۱۲. ابراهیمی، ابوزر (۱۳۹۵) *سرعت رشد علم در ایران ۱۲ برابر متوسط تولید علم جهانی*، سایت ایلنا www.irma.ir
۱۳. سلطانی، علی اصغر (۱۳۹۶). *قدرت، گفتمان و زبان*، تهران، نشر نی.
۱۴. عضدانلو، حمید (۱۳۷۵). «درآمدی بر گفتمان یا گفتمانی درباره گفتمان»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۱۳۷۵، شماره ۱۰۴، صص ۴۷ تا ۵۲.
۱۵. فرقانی، محمد مهدی (۱۳۸۳). *راه دراز گذار*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

16. Philip Babcock Gove. Webster's Third New International Dictionary U.S.A 1981, p.541.
17. Farsoun, samih. K and Mehrdad, Mashayekhi, Iran, Political Culture in the Islamic Republic, First Published by Routledg 1992, p.30

